

مروری بر کار مشترک پشنگ کامکار و سالار عقیلی

## بی‌حوصلگی در «جهان‌گذران»



سینا باری

جهان‌پیروی بنیاد در گذار است و تنها حسن او همین بوده و هست که در آن، هیچ چیزی جاویدان نمی‌یابد و زمان همه چیز را در گون می‌کند؛ اما گاهی این حسن، موجب آه‌های حسرت‌آمیزی می‌شود که هر چه می‌گذرد درد بیشتری را در عمق جان می‌ریزد آن هنگام که می‌بینی هر آنچه حسن بخشیده را حالا در روزگار پیری می‌ستاند و از این روند کسی را مجال فرار نیست. حکایت جهان‌گذران به آهنگسازی پشنگ کامکار و خوانندگی سالار عقیلی در همین نکته است و اندکی پیش از این.

از آن مضراب‌های نرم نوجوانانه، عشوه‌های طنزانانه مضراب چپ‌وراست، پپچس سریع دست و پاساژهای ظریف در سابقه آهنگساز که پیش‌تر در آلبوم «بارانه» -سراغ داشتیم که با قریحه و ذوق ملودهای زیبای فولکلوریک که در لحظه شمه‌ای از خود نشان می‌دادند و با رندی به سبوی دیگر از ردیف موسیقی ایرانی اشاره می‌کردند حالا دیگر از آنها جملات کوتاه و موتیف‌های بدون تزیینی مانده است که با کمترین شوق و حوصله‌ای مضراب را روی سیم فرود می‌آورد و آواز نیز آن قدر از قوت برخوردار

یادداشت

نیست که نوازنده را سر ذوق بیاورد و یا آهنگساز را از درون به جوشش وادارد. از این رو پاسخ‌هایی کوتاه را شاهدیم که برانگیزاننده نوازنده و خواننده نیست و در مخاطب هم در نمی‌گیرد. کاربرد جملات کوتاه و تکرار شونده تنها در پاسخ آوازها نمود ندارد بلکه در قطعه «ده ضربی» این آلبوم نیز با شدت بیشتری محسوس است و مایه تحلیل رفته آهنگساز را در جمله‌بندی‌ها و جفت‌بست جملات آشکاری می‌سازد آن گونه که فضا سازی برای ورود لخت تنبک، عربانی این واقعیت را صحنه می‌گذارد. چهار مضراب او دیگر مقدمه و شروعی انحصاری را رقم نمی‌زند برعکس گذشته که در این ظرافت‌ها دقت می‌شد و هر نوازنده صاحب سبکی در زخمه اول مضراب، خود را آشکار می‌ساخت اکنون آهنگساز هیچ حوصله‌ای از خود برای چنین اختصاصی سازی فضا نشان نمی‌دهد و ترجیح داده تنها یک نوازنده باشد در میان همه و قطعه‌اش را پیش ببرد، حتی اگر در پیش در آمد پایبند بوده باشد و به ناگاه آن را راه‌ساز دالتانجام ساختاری کمتر در آلبوم مشهود باشد.

آواز افشاری که این روزها کمتر بدان پرداخته می‌شود، برای هم‌نسلان پشنگ، یادآور روزگار پر شور و بی‌وزی انقلاب و همکاری پشنگ کامکار با گروه شیداد و عارف و پیش از همه محمدرضا لطفی است که این بار پس از دو تجربه در تولید آلبوم بداهه نوازی سنتور در سال‌های اخیر، این

نوازنده سنتور آن را برای همراهی با آواز سالار عقیلی برگزیده است. پشنگی که روزگاری با استادان خواننده، صدیق تعریف، همکاری‌هایی داشته است. او در گزینش اشعار به سراغ دوبیتی با باطاهر و رباعی خیام رفته است که پیش‌ترها دوبیتی با باطاهر «تیمی کزین آن کاکل ایو» در ماهر با صدای استاد شجریان شنیده شده است و رباعی معروف ابوسعید ابوالخیر (که به اشتباه آن را از آن حکیم عمر خیام می‌دانند) با مصرع آغازین «هنگام سپیده دم خروس سحری» و اشعریان در آواز دشتی در آلبوم «خیام» و شهرام ناظری در گوشه حجاز در آلبوم «آتش در نیستان» در نهایت زیبایی و رعایت تکنیک‌های آوازی توسط این دو

## «سند راهبردی موسیقی» باید به تأیید موزیسین‌ها برسد

امیر بیکان، آهنگساز و مدرس دانشگاه

چندی است که موضوعی نقل محافل فرهنگی و هنری است و آن هم سند راهبردی موسیقی کشور است که مرزها را در نور دیده و در شورای عالی انقلاب فرهنگی صاحب کرسی شده و هرز گاهی در مورد آن صحبت و بحث می‌شود. اینکه چهار گانسی، دولتی و یا غیر دولتی، پیشنهاد آن را داده و هدایت می‌کند که البته به نظر نگارنده کلاً هیچ بخش غیر دولتی در کشور نداریم و همه امور بال‌آخص فرهنگی و هنری زیر مجموعه یکی از ارگان حاکمیت و یا ارگان‌هایی که فعالیت فرهنگی و یا هنری دارند، انجام می‌شود، مثل خیلی از سفارش‌هایی که در زمینه‌های مختلف هنری تئاتر، موسیقی و یا فیلم و تجسمی توسط هنرمندان کار و اجرا شده است.

این موضوع دارای چند بعد است و پرسش‌هایی در این زمینه مطرح است، که باید به آن پرداخته شود و هنرمندان موسیقی باید به این موضوع ورود کرده، در مورد آن اظهار نظر کنند. بخشی از موضوعیت «سند راهبردی یا سند بالادستی موسیقی کشور» بازی می‌گردد به دانشگاه‌های معتبر کشور و اینکه اساتیدی که در آنجا مشغول تدریس و تربیت دانشجویان رشته موسیقی هستند، یا در جریان این سند راهبردی و تنظیم تدوین آن قرار دارند؟ و آه‌های «سند» و «راهبردی» مفاهیم قابل بحث و قابل تجزیه و تحلیل هستند که باید مورد کنکاش قرار بگیرند و توسط حوزة تخصصی نظیر:

آی‌نخبگان موسیقی در تدوین آن نقش داشته‌اند؟ (البته در اینکه چه کسی نخبه‌هست و یانیست هم اختلاف نظر هست). آیا در بررسی و تدوین آن با نهاد‌های موسیقی کشور، هم‌فکری و تشریک‌مساعی و اتفاق نظر داشته‌اند؟ آیا گرایش‌های مختلف هنر موسیقی در جریان تدوین آن هستند؟ آیا این طرح انقباضی است یا خیر که موجب انبساط جریان موسیقی در کشور خواهد شد؟

آیا سلیقه‌های مختلف در این بین، در نظر گرفته شده است؟ و خیلی سوالات دیگر که در چنین موقعی به ذهن موسیقیدان‌ها خطور می‌کند که «دار چه اتفاقی می‌افتد؟» آیا این اسناد در مورد آفرینش و تولید هنری هم صادق است و یا اینکه دستورالعمل‌هایی صرفاً برای کنترل و نظارت بر موسیقی و موسیقی‌دان است؟! حال سوال اینجاست که مگر می‌توان برای هنرمند و آفرینش‌گر موسیقی، حدود مرزی مشخص کرد و یا اینکه چارچوبی را برای او ترسیم کرد که فقط در همان مرز حرکت کند!

روح هنرمند

روح هنرمند، باید آزادانه، مرزهای تخیل و واقعیت را در نور دیده و طی سلوکی شخصی، به سمتی هدایت شود که در ضمیر ناخودآگاه او این اتفاق شکل بگیرد و منجر به تولید و آفرینش یک اثر خلاقانه شود و این از خصوصیات یک آفرینش‌گر

حقیقی است. او حدود ۳۰ سال، او آفرینش‌گر روحش را پرواز می‌دهد به سمت سرزمین‌های نامشکوف و دنبال آن، «آن» حقیقی، که منجر به تولد اثری شود که همگان را تحت تأثیر خود قرار بدهد و صلابت روح سرکش هنرمند خلاق و آفرینش‌گر، او را به خشمناپذیری نیست و گرنه آن اتفاق هرگز نخواهد افتاد و منجر می‌شود به آفرینش اثری بی‌وی خاصیت، که نه نشان از مختصات هنرمند دارد و نه نشانی از مختصات هنری و نگاه‌زیباشناسانه!

روح هنر با دستورالعمل و محدود کردن خراشیده می‌شود. البته در این میان بحث اینکه چه کسی به عنوان هنرمند واقعی شناخته شده است و کار خلاقانه، که با رعایت مختصات فنی موسیقی و زیبایی‌شناسانه دست به آفرینش هنری و خلق یک اثر ماندگار می‌زند، حساس است با کاسبان به‌ظاهر هنرمند و عوام‌فریب متفاوت است و راه‌شان جدا از هم، البته کم هم نیستند این کاسبان، بازار آشفته مکاره به‌ظاهر موسیقی کشور! خصوصاً در نوع خاصی از موسیقی عامه‌پسند که آدرس نادرست به مخاطب می‌دهد. منظور، آفرینش هنر خالص و صادق بدون هر گونه ظاهر سازی و عوام‌فریبی است که کم‌نداریم. این چنین هنرمندانی که سازه و تاج بر سر موسیقی این سرزمین هستند که اعتبار و منزلت می‌آورد مؤانست و هم‌نشینی با آنان، و به نوعی آبروی هنر موسیقی کشور هستند، هم در اخلاق و منش، و هم در زمینه کار حرفه‌ای، به نظر نگارنده عوامل تصمیم‌گیرنده این سند باید به فکر این مسائل باشند قاعدتاً که به بخش کوچکی از آنها اشاره خواهیم کرد:

### آموزش هنر موسیقی

آموزش هنر موسیقی، از سنین کودکی و آشنایی کودک‌ان در مهدهای کودک و کودکستان‌ها با هنر موسیقی، که از همین اوان کودکی، گوش‌های آنان تربیت شود به شنیدن موسیقی مطلوب و متناسب با سن‌شان و بر اساس منتهای موسیقی استاندارد در زمینه آموزش موسیقی و تربیت‌شنوایی به کودک‌ان که متخصصان آن در کشور کم‌هم نیستند.

### برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی برای مقاطع سنی خردسال، کودک و نوجوان با قرار دادن درسی به نام «آشنایی با موسیقی» در زنگ درسی مدارس ابتدایی و راهنمایی و البته در مقطع دبیرستان این درس می‌تواند اختیاری باشد و گذراندن آن امتیازی برای دانش‌آموز محسوب شود.

### لحاظ شأنیت موسیقی

شأن و منزلت هنر والای موسیقی که می‌تواند مسحورکننده بوده و انسان را به اخلاق و معرفت هر چه بیشتر نزدیک سازد در محافل فرهنگی، لحاظ شود. شأن و منزلت موسیقی‌دانان، خصوصاً اجراکنندگان موسیقی حفظ شود و دیگر شاهد این نباشیم که ارکستر را مجبور کنند که در پیاده‌رو، برای افتتاح یک «مکان» بنوازند و حین اجرای موسیقی، مدعوعین که عمدتاً از مسئولین کشوری هستند، بدون در نظر گرفتن شأن و احترام موضوع موسیقی و مؤلف و خواننده و اجراکنندگان، مراسم را

رسانده و پس از شرکت در چند مرحله کنکور و آزمون و مصاحبه و البته با ظرفیت بسیار اندک، جذب این دانشگاه‌ها کردند، که فارغ‌التحصیلان هم، در رشته‌های گوناگون موسیقی، پس از پایان دوره خود، در تهران ساکن شده و در آموزشگاه‌های موسیقی مشغول به تدریس می‌شوند و امورات و معیشتشان نیز با مشکل روبرو خواهد شد، که می‌توان با برنامه‌ریزی، این فارغ‌التحصیلان را استخدام و از آنان در تدریس برای شهر خودشان استفاده کرد که این ظرفیت فقط در تهران متمرکز نباشد و علاقه‌مندان موسیقی در شهرهای مختلف از این آموزش‌ها بهره‌مند شوند. بر نامه‌ریزی برای سامان‌دهی معیشت و زندگی هنرمندان موسیقی.

### بیمه فراگیر

بیمه فراگیر برای هنرمندان موسیقی کشور که همگی از ظرفیت‌های فرهنگی هنری کشور می‌باشند. (البته این مهم در خانه موسیقی به سامان رسیده است). داشتن بیمه‌های مشخص تکمیلی برای نوازندگان سازهای مختلف بادی و زهی و بقیه سازها که در معرض آسیب‌های فراوان هستند و همچنین بیمه ساز. در خیلی از موارد ساز هنرمندان به دلایلی دچار خسارت یا حتی به سرقت رفته که بیمه‌های اختصاصی برای جبران این گونه زیان‌ها موجود نیست.

### جشنواره‌های استانی

برگزاری جشنواره‌های استانی در زمینه‌های مختلف موسیقی و پس از انتخاب برگزیدگان، حضور آنان را در یک جشنواره ملی فراهم آورد که با هم به رقابت بپردازند. پیشنهاد برگزاری جشنواره‌های فصلی در موسیقی نواحی، سنتی و کلاسیک که البته در جشنواره موسیقی جوان به این موضوع توجه شده و جای قدرانی دارد و البته این به‌انسجام در انتخاب دبیر ثابت این جشنواره و تیم ثابت آرتیستی بازمی‌گردد که شایسته توجه است ولی سالی یکبار انجام می‌شود که با این حجم از استعدادها در سراسر کشور، کم است.

### تأسیس رسانه

تأسیس رسانه‌های مختلف شنیداری و دیداری آزاد غیر دولتی، فارغ از ظرفیت‌های رادیو و تلویزیون رسمی کشور، که بتوان آموزش‌های صحیح موسیقی را برای علاقه‌مندان به موسیقی تحت برنامه‌های: «آشنایی با موسیقی» و «چگونه موسیقی بشنویم»، «آشنایی با بزرگان موسیقی» و «آشنایی با فرآیند شنیداری موسیقی»، «معرفی گونه‌های مختلف موسیقی»، «میزگردهای کارشناسانه موسیقی با حضور اساتید و هنرمندان صاحب‌نظر»، که کم‌کم مردم با فرهنگ موسیقی آشنا شوند و موسیقی را فقط به عنوان یک لذت‌نشنوند و با خصلت‌های فرهنگی و تأثیرگذاری آن در فرهنگ‌سازی و انسان‌سازی بیشتر مانوس گردند. نقدهای بسیاری مطرح است بر جریان موسیقی غالب در کشور که تحت حمایت‌های دست‌های پیدا و پائیدا به سمت بی‌راهه می‌رود و باید برای آن چاره‌ای اندیشیده شود. موسیقی خوب و مطلوب در هر گرایش و سبکی باید مورد حمایت قرار گیرد که پس از مدتی، سر از ناسره مشخص گردد و کلاس کاران هنر تقلبی و جعلی جای خود را به هنر اصیل و ابتکاری و خلاقانه بدهند و در این مسیر نیز فرهنگ



آهنگساز، پشنگ کامکار، خواننده: سالار عقیلی، اجرا: گروه زلو  
JAHAN-E GOZARAN  
Pashang Kamkar, Salar Aghili, Zlav Ensemble

خواننده قدرتمند زمانه اجرا کرده‌اند که به‌نوعی خاطره جمعی مردم را نسبت به این اشعار شکل داده‌اند؛ از این رو ارائه آنها در دستگانه دیگر با صدایی که بیشتر به تصنیف خوانی شهره است، فضای از پیش مشخصی فراهم آورده است چرا که می‌باید خواننده آن قدر در آواز خوانی قدرتمندانه ظاهر

آهنگساز روبرویم که هر چند آهنگساز از سابقه روشن و البته بسیار قدرتمند در آلبوم «بارانه» برخوردار است؛ اکنون در وضعیت دیگری به سر می‌برد که متناسب با روزگاری است که در آنیم و در آن را پیش‌تر در آلبوم‌های «شورم را» و «بی‌گانه» دیده‌ایم.

شنیداری و فرهنگ موسیقایی مردم نیز از تقاء باید.

### ساخت سالن اختصاصی

ساخت سالن‌های اختصاصی برای اجرای موسیقی، با همه مشخصات فنی آن، که از بعد از انقلاب تاکنون سالی ساخته نشده که صرفاً برای اجرای موسیقی باشد یعنی واقعاً هنر موسیقی شایسته ساخت یک سالن نبوده که در بودجه‌های عمرانی دولت در این چهل و دو سال مدنظر قرار بگیرد!

### تغییر نگاه ابزاری

نگاه ابزاری به موسیقی باید در نظر نهادها تغییر پیدا کند و هنر به معنای هنری آن باید ارزش و جایگاه ویژه خود را بازابد.

### تشکیل ارکسترهای استانی

تشکیل ارکسترهای رسمی در استان‌های مختلف که می‌تواند تحت حمایت شهرداری یا انجام شود که هم‌چرخه اقتصادی هنرمندان موسیقی بچرخد و هم مردم از اجراهای متنوع این هنرمندان متنوع شوند. مسئولین و متولیان فرهنگی و هنری قادر انجام نشده می‌توانند داشته باشند!

این‌ها بخشی از وظایفی است که متولیان و دست‌اندرکاران فرهنگی کشور و دستگانه‌های اجرایی دارند و قاعدتاً باید به این موضوعات توجه داشته باشند و به انجام آن اهتمام بورزند که همه این امور با مساعدت و همراهی اساتید برجسته که ذغدغه اعتلای هنر موسیقی در این سرزمین را دارند، به سرانجام خواهد رسید.

این‌ها بخشی از موضوعاتی بود که انجام آن‌ها باعث انبساط در جامعه موسیقی کشور می‌شود که البته خیلی از این امور تاکنون مغفول مانده است. در این زمینه باید اساتید و صاحب‌نظران و خبرگان ذغدغه‌مند موسیقی نظر بدهند و در این مورد، ساکت نباشند و اظهار نظر کنند. جامعه موسیقی یک گروه و دو گروه نیستند، در این گونه موارد باید همه اساتید با هر نظر گاهی ورود کنند و نظر بدهند، به قول آن بزرگ «همه‌چیز را همگان دانند».

بررسی این موضوع مهم که با سر نوشت جمع‌گیری از هنرمندان سرور کار دارد، از اموری نیست که پشت درهای بسته، و با حضور تعدادی هنرمند مشخص یا عقاید مشخص، بتوان در مورد آن تصمیم گرفت. ای کاش این پیش‌نویس‌ها و صورت‌جلسات منتشر می‌شد و در اختیار دانشگاه‌ها و تشکل‌های مستقل موسیقی و اساتید موسیقی قرار می‌گرفت و یا در یک فضای سالم و به‌دور از هیجان، به رای عموم موسیقی‌دانان گذاشته می‌شد، تا بتوان بهترین تصمیم را برای اعتلای هنر موسیقی و با گشت‌شان و منزلت موسیقی‌دانان به‌ویژه نوازندگان عزیز و محترم و مجریان اجرای موسیقی که اغلب از فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها و دانشگاه‌های معتبر کشور هستند و همگی فریخته و صاحب‌اندیشه می‌باشند، گرفت.

امید می‌رود قبل از نوشتن سندی در باب هنر موسیقی، مسئولین ذی‌ربط به سوالات اساسی و مورد مطالبه هنرمندان این رشته، نظیر: چیستی و چرایی و چگونگی، ظهور و ثبوت و ارائه این هنر متعالی و البته مهجور و زخم‌خورده، پاسخ‌دهند که چگونه شد، هم در ادبیات معیار و محاوره در ترانه امروز و هم در موسیقی به‌اینجا رسیدیم! به‌امید اصلاح و سامان یافتن امور و به‌امید روزهای خوش.